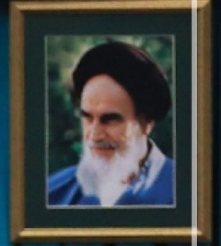


گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

خامنه‌ای عزیز ۱۶

در دیدار رمضانی دانشجویان

۲۹ فروردین ماه ۱۴۰۲ | ۲۷ رمضان ۱۴۴۴



شماره دوست داریم و برایتان دعا میکنیم

ایجاد تحول در جامعه و جهان

وظیفه دانشجوی آینده نگر است

عید صفا

۱۴۰۲/۱/۲۹





گزیده بیانات رهبر انقلاب در دیدار رضائی دانشجویان

۲۹ فروردین ۱۴۰۲

- ۱) شروع کلام با نام و حمد خداوند و صلوات و سلام بر حضرت محمد ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) بویژه حضرت بقیه الله ﷺ^۱
- ۲) انتظار من از این جلسه همین بود که **سخنان متقن با ادبیات خوب** مطرح بشود و الحمدلله شد.^۲
- ۳) ممکن است من مواردی با این حرفهایی که شماها زدید و آنچه شما گفتید موافق نباشم، **اما از کیفیت بیان، از نظم مطالب عمیقاً خوشحالم** و خدا را شکر میکنم.^۳
- ۴) بعضی‌ها به من سلام رساندند؛ من خواهش میکنم **سلام من را برسانید** به آن برادران و خواهرانی که به وسیله شما به من سلام رساندند، بخصوص خانواده شهدا.^۴

❖ پاسخ به مسائل طرح شده

- ۵) در مورد **مسئله خصوصی سازی**؛ هر قانون خوبی را ممکن است بد عمل کنند. اینکه ما کارخانجات که خوب عمل میشده، بدهیم دست دولت که نمیتواند بنگاههای تولیدی بزرگ را اداره کند؛ مشکلات به وجود می‌آید، فساد به وجود می‌آید؛ **راه این فقط خصوصی سازی بود**.^۵
- ۶) من قبول دارم که **آن توقعی** که بنده از خصوصی سازی داشتیم، **تا حالا برآورده نشده**، اما کارهای خوبی هم انجام گرفته.

۱ حدیث نصب شده در حسینیه: قال امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) لا کَنْزَ اَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ / هیچ گنجی، سودمندتر از دانش نیست.
 ۲ ادبیات نطقهای امروز عالی بود؛ یعنی کاملاً خوب و سنجیده بود. و من روی مسئله‌ی «بیان مطلب با ادبیات خوب» تکیه دارم؛ این تأثیر میگذارد.
 ۳ مطالبی که به عنوان اعتراض، اشکال، پیشنهاد گفته شد؛ بالاخره قابل خدشه است، قابل مباحثه است. اگر ما همین پیشنهادهای شما را به سازمان برنامه محول کنیم تا رسیدگی کنند، این کار خوبی است؛ بروید صحبت کنید، بحث کنید و ان شاءالله به یک نقطه‌ی قابل قبول و مشترکی برسید.
 ۴ راجع به تولد این حقیر، اصلاً قابل اعتنا نیست؛ حادثه‌ی بسیار کم‌اهمیت و کوچکی است.
 ۵ واقعاً هیچ چاره دیگری وجود نداشت. و این کار ناگهان انجام نگرفت؛ با فکر، با مطالعه، با پیش‌بینی، با ساعتها بحث کردن انجام گرفت.

۷) اینکه شما میگویید بنگاه دولتی را به بخش خصوصی داده‌اند، آن [بنگاه] دلارش را به دولت برنمیگرداند، این درست نیست. آن که دلار را برنمیگرداند، همان بنگاه فعلاً دولتی است.^۶

۸) البته بخش خصوصی هم اشکالاتی دارد؛ مراقبت می‌خواهد، دقت می‌خواهد، رعایت می‌خواهد؛ اینها لازم است؛ شکی نیست.

۹) در مورد جلسه اقتصادی سران قوا:

- اولاً این یک امر دائمی نیست، یک امر موقت است؛
- ثانیاً برای مقاصد خاصی است؛ من چهار مورد را معین کردم، یکی مسئله بودجه است، که یکی از مشکلات بزرگ ما همین تنظیم بودجه و اصلاح ساختار بودجه است.
- البته تا حالا آن طور که باید و شاید پیش نرفته، اما علاجش تعطیل کردن نیست؛ علاجش این است که ما دنبال کنیم تا این کارها انجام بگیرد.^۷

۱۰) امیدواریم ان شاءالله آنچه شماها می‌خواهید و می‌گویید^۸ خدا توفیق بدهد آن مقداری که من به عهده دارم انجام بگیرد، آن مقداری [هم] که مسئولین دیگر به عهده دارند ان شاءالله انجام بگیرد.

❖ بهار در بهار

۱۱) خب، ماه رمضان بهار معنویت و عبادت است.^۹ جوانی هم بهار است، بهار عمر است. پس جوان در ماه رمضان بهار مضاعف دارد، بهار در بهار دارد؛ از این استفاده کنید. این را مغتنم بشمرید.^{۱۰}

۱۲) این دوگانه زیبا، یعنی تلاقی دو بهار، یک جای دیگر در دوران دفاع مقدس رخ داد؛ آنجا هم دو فرصت تعالی و عروج، مشترکاً در کنار هم قرار گرفتند.^{۱۱}

۶ این اشکالی است که خود من همین اخیراً به مسئولین دولتی گفتم، یعنی خود آن بنگاه‌های دولتی‌ای هستند که تجارت میکنند، با خارج هم معامله دارند، [اما] دلارشان را به بانک مرکزی برنمیگرداند؛ یعنی مربوط به بخش خصوصی نیست.

۷ بعضی از مسائل هست که اشکالش در عدم توافق مسئولان سطوح بالا است؛ حلش به همین است که بگوییم دور هم بنشینید بحث کنید و یک تصمیم واحدی بگیرید و اقدام بکنید.

۸ و من میدانم که دلی می‌گویید، آنچه می‌گویید واقعاً عقیده‌تان است که می‌گویید.

۹ که دارد تمام میشود دیگر، منتها ماه رمضان‌های دیگری ان شاءالله شما در پیش دارید؛ ده‌ها ماه رمضان شما جوانها در پیش دارید، باید استفاده کنید؛ بهار معنویت، بهار عبادت.

۱۰ خیلی فرق است بین بهره‌ای که شما میتوانید از شب قدر ببرید با کسی که در سنین بنده و امثال بنده است؛ شما خیلی بیشتر میتوانید استفاده کنید؛

۱۱ خب جبهه دفاع یعنی جبهه دادن جان؛ یعنی کسی که آنجا میرود، غالباً آماده است که جانش را یا سلامتش را هدیه کند؛ این خیلی گذشت بزرگی است. همه کسانی را که در این گذشت وارد میشوند، جبهه، عروج میدهد و اوج معنوی میدهد.

۱۳) این جوانهایی که وارد میدان جنگ شدند، اوج‌گیری‌شان جوری بود که فردی مثل امام راحل، امام بزرگوار، که سالهای متمادی سلوک و عرفان را تجربه کرده بود، **به حال آنها غبطه میخورد!**

۱۴) **شرح حال این شهدای عزیز** را، بخصوص بعضی‌شان را که خیلی معنویت دارند، بخوانید؛ اینها استفاده کردند. شما از ماه رمضان استفاده کنید. از حالا خودتان را برای ماه رمضان بعد آماده کنید. ۱۲

❖ مبانی معرفتی یک جوان

۱۵) جماعت دانشجو و مجموعه‌های دانشجویی به یک **تفکر زیربنایی محکم** احتیاج دارند. ۳ این نیاز قطعی آنها است؛ این نصیحت همیشگی من بوده :

- اگر مبانی معرفتی یک جوان، بخصوص جوان دانشجو مستحکم باشد، دل او قرص میشود، گام او استوار میشود، حرکت او استمرار پیدا میکند، **دیگر خستگی وجود ندارد.**
- اطمینان دل موجب میشود که **ایمان هم افزایش پیدا کند**، خود ایمان اطمینان می‌آورد؛ اطمینان دل و سکینه‌ی قلب هم ایمان را افزایش میدهد. ۱۴

۱۶) جوان دانشجو بایستی روی **مسئله آزادی، مسئله عدالت** که یکی از مهم‌ترین مسائل معرفتی است؛ فکر کند، کار کند و به عمق برسد. کتاب بخوانید، نهج‌البلاغه بخوانید، در تلاوت قرآن تأمل کنید. ۱۵

۱۷) در مورد **عدالت**؛

- ۱) البته یک مصداق مهم عدالت **رفع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی** و مانند اینها است اما فقط این نیست؛ این یک قلم عمده‌اش است.
- ۲) عدالت از قضاوت‌های شخصی، **از عمل شخصی ما**، حرف زدن ما، در مورد کارها شروع میشود. اگر با کسی مخالفت، دشمنی، جدایی فکری هم داریم، نباید ظلم کنیم. ۱۶
- ۳) **عدالت بین‌المللی**؛ مبارزه با استکبار و آمریکا و صهیونیسم هم جزو یکی از مهم‌ترین مصادیق عدالت‌طلبی است.

۱۲ من نمیدانم شماها این کتابهای شرح حال شهدا را میخوانید یا نه؛ من میخوانم و اشک میریزم و استفاده میکنم؛ برای من حقیقتاً استفاده دارد.

۱۳ وقتی میگوییم «دانشجو»، دانش‌طلبی، جوان بودن، پرتحرک بودن، نوظللی، نوزایی، احساسات انسان‌دوستانه مثل دشمنی با فساد، دشمنی با بی‌عدالتی و مانند اینها به ذهن متبادر میشود، لکن از همه اینها مهم‌تر، داشتن یک زیربنای فکری است.

۱۴ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرُدُّوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ؛ (آیه ۴ سوره فتح) قبلاً مؤمن بودند اما وقتی این آرامش قلبی را خدای متعال به آنها داد به خاطر تکیه به واقعیات معنوی و الهی، این ایمان افزایش پیدا میکند.

۱۵ در اسلام مبانی معرفتی شخصی، قلبی، اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی [وجود دارد]؛ همه اینها در اسلام هست.

۱۶ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا (آیه ۸ سوره مائده) / مصیبت‌بارترین مسائل این است که یک کافر یا دشمن خدا روز قیامت یقه بنده را بگیرد که آقا، تو به من در فلان جا ظلم کردی؛ یعنی واقعاً دیگر از این چیزی سخت‌تر نیست!

۱۸) آزادی؛ آزادی خیلی مهم است:

- مهم‌ترین بخش نظریه آزادی در اسلام، آزادی از این چهارچوب ماده است.^{۱۷}
- اسلام ما را در چهارچوب ماده محصور نمی‌کند. شما برای ماندن خلق شده‌اید،^{۱۸} ما معدوم نمی‌شویم، از بین نمی‌رویم.^{۱۹} مردن شروع یک مرحله جدید، مرحله اصلی است.
- وقتی شما با این نگاه، نگاه کردید، می‌توانید اوج بگیرید و دیگر برای حرکت و پیشرفت شما، برای تعالی شما حدی وجود ندارد؛ این آزادی است. نباید روی اینها فکر کنید، کار کنید.

۱۹) یا مسئله «انتظار فرج»؛ یکی از مبانی مهم این مبانی فکری و دینی ما است.

- انتظار فرج یعنی ده برابر همه نقصهایی که شما الان گفتید؛ همه سختی‌ها قابل برطرف شدن است. نه اینکه بنشینید انتظار بکشید؛ دل شما گوش‌به‌زنگ باشد.^{۲۱}
- انتظار فرج یعنی آماده بودن، فکر کردن، بن بست پنداشتن؛ بن بست‌انگاری خیلی بد است.
- خدای متعال در قرآن مکرر گفته؛ قانون قطعی خدا است که راه پیغمبران غلبه پیدا خواهد کرد.^{۲۲} خدا از مؤمنین، دفاع خواهد کرد؛ آذر این هیچ تردیدی نیست.
- خود ما واقعیتهای را در این سن دیده‌ایم؛ تجربه‌های ما هم همین را نشان می‌دهد:
 - پیروزی انقلاب را دیدیم که این، غلبه حق بر باطل بود.^{۲۴} کسی فکر نمی‌کرد، هیچ کس اصلاً تصور نمی‌کرد.^{۲۵}

۱۷ نگاه مادی می‌گوید شما یک روز دنیا آمدید، چند سال هم زندگی می‌کنید، بعد هم معدوم می‌شوید، در این قفس مادی، یک آزادی‌هایی به شما می‌دهند؛ آزادی شهوت، غضب، ظلم، همه جور آزادی؛ این آزادی نیست. آزادی، آزادی اسلامی است.

۱۸ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ (اعتقادات صدوق، ص ۴۷؛ باب اعتقاد در نفوس و ارواح)

۱۹ مولوی می‌گوید: وقتِ مردن آمد و جستن ز جو / کلّ شیء هالک الا وجهه

۲۰ همه آزادی‌های زندگی، از آزادی شخصی، عقیده، رها شدن از اسارتِ تحجر و جمود و خمود و عقب‌ماندگی‌های گوناگون و تعصبات بی‌مورد و رهایی از اسارت ابرقدرت‌ها و رهایی از اسارت دیکتاتورها، ناشی از این مبانی آزادی اسلامی است.

۲۱ همین‌طور که در قضیه حضرت موسی به مادرش گفته شد: إِنَّا رَادُّهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ؛ این بچه را به تو برمیگردانیم و او را هم از مرسلین قرار می‌دهیم و نجاتتان خواهد داد؛ این، بنی اسرائیل را مستحکم کرد. بنی اسرائیل در مصر فرعون، سالهای متممادی، مقاومت کردند؛ البته بعد خراب شدند، اما سالها مقاومت کردند. همین مقاومت بود که موسی را آورد و حرکتش را آغاز کرد و دنبال او راه افتادند و به نابودی فرعون و فرعونیان منتهی شد؛ این، انتظار فرج است.

۲۲ «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي»؛ كَتَبَ اللَّهُ یعنی قانون قطعی خدا است (آیه ۲۱ مجادله)

۲۳ إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا (آیه ۳۸ حج)

۲۴ «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً»؛ در این هیچ تردیدی وجود ندارد؛ این قول خدای متعال است. حالا ما اینها را یک روزی از قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه نقل می‌کردیم اما در زندگی خودمان [دیده‌ایم].

۲۵ مرحوم آقای طالقانی به من گفت آن روزی که امام گفت «شاه باید برود»، ما گفتیم: «آقا چه حرفهایی می‌زند!» یعنی کسی مثل مرحوم آیت‌الله طالقانی، یک مبارز عمیق عریق سابقه‌دار آن چنانی، امیدوار نبود، اما شد؛ انقلاب پیروز شد.

○ یا **جنگ تحمیلی**؛ خب شماها ندیده‌اید. جنگ تحمیلی حادثه عجیبی بود؛ همه علیه ما بودند؛ [ولی] ما پیروز شدیم. انتظار فرج یعنی این.

- **انتظار فرج فقط این نیست** که منتظر بنشینیم دعا کنیم که خدا حضرت را برساند؛ که البته این یکی از کارهای واجب است؛ باید دعا کنیم، باید بخواهیم، دنبال کنیم؛ اما فقط این نیست.
- انتظار فرج یعنی در همه کارهایی که مشکلی وجود دارد، باید **فرض وقوع فرج مورد نظر ما** یکی از فرضهای مسلمی باشد که هست؛ **انسان منتظر باشد**. البته شرایطی دارد.^{۲۶}

۲۰) یا **مبنای توحید**؛ حاکمیت غیر خدا ممنوع؛ و امثال اینها که خب زیاد است. روی این مبانی باید کار کنید؛ بخصوص شما تشکلهای روی این مبانی کار کنید.

- ۲۱) روی یک نقطه محدود هم متمرکز نشوید؛ **وسیع نگاه کنید**، همه مسائل را ببینید:
- با **منابع دینی** اُنس پیدا کنید، با **متفکران عمیق و امین** ارتباط برقرار کنید.
- و **تجربه جوانهای ما** هم خوب است. مثل **شهید مصطفی صدرزاده**؛^{۲۸} آدم میبیند که چطور بی‌تاب است در کار کردن و حرکت کردن. انسان اینها را نگاه کند و پیش برود.
- ۲۲) نمیخواهم بگویم که حالا فعلاً برنامه‌های دیگر را کنار بگذارید، بروید مشغول فکر کردن و مطالعه کردن [بشوید]؛ نه، اینها **همزمان باید انجام بگیرد**.^{۲۹}

❖ فعالیت‌های دانشجویی

- ۲۳) فعالیت‌های دانشجویی مثل خود **دانشجوی یک فرصت است** برای کشور. این را شما بدانید، نظر قطعی و حتمی من این است.
- بعضی‌ها از **فعالیت‌های دانشجویی سالم**، ممکن است احساس تهدید بکنند، اشتباه میکنند؛ فعالیت دانشجویی برای کشور **یک فرصت است**.
- این **اظهار نظرها فرصت است**. نمیگویم درست است؛ حواستان باشد. اما خود نفس اظهار نظر، فکر کردن، روی مسئله اندیشیدن، این یک فرصت است برای کشور.^{۳۰}

۲۶) انتظار فرج خوردن نان با رفتن به نانوايي و خریدن نان و آوردن است دیگر، و آلا با نشستن که نان خودش نمی‌آید. باید یک حرکتی انجام بگیرد تا اینکه انتظار فرج انجام بگیرد. اینها آن مبانی‌ای است که [کار، لازم دارد].

۲۷) کتاب‌های شهید مطهری، شهید بهشتی، آقای مصباح و امثال اینها؛ کتابهای خوبی است.

۲۸) دو سه کتاب درباره ایشان نوشته شده که من خوانده‌ام.

۲۹) یعنی مطالعه و فکر و خودسازی در حال عمل، شانس و اقبال پیشرفت بیشتری دارد تا اینکه آدم برود همه فعالیت‌های دانشجویی را تعطیل کند و [فقط] مثلاً کتابهای خوب را مطالعه بکند.

۳۰) مطالبات دانشجویی، زبان دانشجوی، احساس مسئولیت دانشجویها درباره حوادث کشور فرصت است. چه در حوادث طبیعی، چه در حوادث سیاسی مثل همین راه‌پیمایی‌ها — قدس، بیست‌ودوم بهمن و امثال اینها — همه اینها فرصتهای مهمی است.

❖ آفات فعالیت‌های دانشجویی

۲۴) البته **آفاتی هم دارد**؛ خطا و اشتباه در جوانی احتمال کمی ندارد، مراقب باشید. باید آفات فعالیت‌های دانشجویی را برطرف کرد؛ باید سالم‌سازی کرد.

۱) **دوقطبی‌سازی به وجود نیاید**؛ فعالیت‌های دانشجویی جامعه دانشجویی و کشور را دوقطبی نکند؛ این دوقطبی‌گری خواست دشمن است.

۲) باید **واقع‌بینانه باشد**. فعالیت دانشجویی، مطالبه دانشجویی باید همراه با واقع‌بینی باشد.^{۳۱}

۳) حتی‌المقدور **همراه با ارائه راه حل علمی و عملی** باشد:

• اولاً راه حل علمی، [یعنی] عالمانه، اندیشمندانه.

• ثانیاً عملی؛ کاری باشد که بشود کرد. هر کدام از شما وارد میدان عمل بشوید نظرتان با حالا تفاوت خواهد کرد؛ واقعیات و سختی کار را می‌بینید.^{۳۲}

۴) یکی از آفتها **شتابزدگی** است. زبان دانشجو بلندگوی صرفاً مشکلات نباشد. در کشور نقاط روشن خوبی وجود دارد؛ دانشجو آنها را هم بگوید؛ **تندخویی نباشد**.

۵) **سطحی‌گری نباشد**، مشکل محلی را ملی نکنند. یک حادثه‌ای پیش می‌آید، فلان تشکل دانشجویی ببیند این را به صورت یک مسئله ملی دریاورند؛ این اشتباه است؛ این فرار کردن از زیر بار مشکل یا پاسخ‌گویی به مشکل نیست؛ این به ضرر کشور است.

۶) دانشجو یا تشکل دانشجویی، **قصدشان دیده شدن نباشد**؛ این بی‌برکت میکند کار را؛ حرف را بی‌برکت میکند، بی‌اثر میکند؛ و البته ضرر هم دارد.

۷) در **فضای مجازی غرق نشوند**. بعضی‌ها نشسته‌اند که از طرف فضای مجازی، سیل‌وار، تحلیل و خبر و مطلب و مینا به اینها داده بشود؛ شما روی فضای مجازی سوار شوید.^{۳۳}

۳۱) حالا مثلاً شما می‌آیید اینجا یک نسخه‌ای را میدهید؛ خب این نسخه زمان‌بر است، هزینه‌بر است؛ ممکن است هزینه‌اش امکان‌پذیر نباشد، دم دست نباشد؛ اینها را باید توجه کنید.

۳۲) یک وقتی به امام مراجعه کرده بودند یک شکایتی از دولت کرده بودند. امام گوش کرد حرف آن بنده خدا را، در جوابش فقط یک کلمه گفت؛ گفت: «آقا! اداره مملکت سخت است.» واقعاً سخت است.

صحبت یکی از دانشجویان: «سخت است، ولی به شرطی که حرف مردم را گوش کنند».

حرف مردم را باید گوش بدهند. حرف مردم سازوکاری دارد. یعنی یک نفر را به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب میکنند؛ یک عده‌ای را به عنوان نماینده مجلس انتخاب میکنند؛ این حرف مردم است. حرف مردم را این‌جوری میشوید فهمید دیگر.

حالا یکی از برادرها گفت رفرا ندوم؛ کجای دنیا این کار را میکنند؟ مگر مسائل گوناگون کشور قابل رفرا ندوم است؟ مگر همه مردم امکان تحلیل آن مسئله را دارند؟ اصلاً یک کشور را شش ماه درگیر بحث و جدل و گفتگو و دوقطبی‌سازی میکنند.

۳۳) این غلط است، شما فضای مجازی را هدایت کنید، از طرف شما فکر و خبر و تحلیل به فضای مجازی برود، نه بعکس.

۸) **وظیفه دانشجوی باایمان دغدغه‌مند** این است که کارهای مهم دانشجویی را، فعالیت دانشجویی را از آفاتش تخلیه کند.^{۳۴}

❖ **وظیفه دانشجوی مطلوب**

۲۵) من میخواهم شما **حرکتان را مبنائی کنید**؛ یعنی با نگاه به افقهای بلند پیش رو حرکتان را تنظیم کنید. من میخواهم این مقصود تأمین بشود: نگاه به افقهای دوردست.^{۳۵}

۲۶) از من میپرسند **وظیفه یک دانشجوی مطلوب** و دارای همت بلند و آینده‌نگر چیست؟

۱) اول، **ایجاد تحول در ذهن و واقعیت جامعه** خود؛

۲) بعد، **ایجاد تحول در ذهن و واقعیت جهان** تعجب میکنید؟ شما امروز دانشجو هستید، اما فردا همین دانشجوی امروز مدیر سیاسی است، اداره‌کننده یک بخش مهمی از کشور است.^{۳۶}

۲۷) باید **سعی کنید منحرف نشوید**؛ این کسی که میتواند فردا تحول ایجاد کند، لزوماً یک انسان پارسای برجسته مؤمن وفاداری نیست؛ گاهی هم بعضی‌ها منحرف میشوند. باید سعی کنید در خط درست و صراط مستقیم الهی حرکت کنید.

۲۸) از امروز **بنیة خودتان را قوی کنید**؛ بنیة فکری را، بنیة ایمانی را، بنیة عقلانی را؛ برای اینکه برای آن چنان فردایی آماده باشید.

۲۹) **دین، خرد، علم، عزم راسخ**. این چهار چیز لازم است. اینها را باید **در خودتان قوی کنید**. هر کس که در این کارها **خودسازی بیشتری** انجام بدهد، فردا امکان تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت.^{۳۷}

۳۰) **مطالعه و فکر و خودسازی در حال عمل**، شانس و اقبال پیشرفت بیشتری دارد تا اینکه آدم برود همه فعالیت‌های دانشجویی را تعطیل کند و [فقط] مثلاً کتابهای خوب را مطالعه بکند.^{۳۸}

۳۴ که گاهی از ما میپرسند وظیفه‌ی ما چیست؟ گاهی مینویسند، گاهی می‌آیند دفتر با دوستان صحبت میکنند که انسان احساس میکند دغدغه دارند و میخواهند یک کاری انجام بدهند.

۳۵ شما اهل حرکتید؛ بهترین جوانهای کشور غالباً دانشجویهای ما هستند و شما دانشجویهای مؤمن میخواهید حرکت کنید.
۳۶ امروز همه دارند میگویند که دنیا در حال تحول است؛ این تحول را چه کسی به وجود می‌آورد؟ تحول را مغزهای متفکر، آدمهای فعال، دست‌اندرکاران کارهای بزرگ به وجود می‌آورند. شما امروز دانشجویید، فردا همان کسی هستید که میتوانید آن تحول را به وجود بیاورید. به آینده این جوری نگاه کنید.

۳۷ بعضی‌ها به قلّه میرسند؛ بعضی‌ها ممکن است به قلّه نرسند، اما در یک حدودی تأثیر میگذارند. بستگی دارد به اینکه شما چقدر خودتان را آماده کنید.

۳۸ نمیخواهم بگویم که حالا فعلاً برنامه‌های دیگر را کنار بگذارید، بروید مشغول فکر کردن و مطالعه کردن [بشوید]؛ نه، اینها همزمان باید انجام بگیرد.

۳۱) در مورد **شناخت نقشه و راهبرد دشمن**، بروز باید باشیم؛ دشمن وجود دارد ^{۳۹} دائم دارد کار میکند. پول خرج میکنند، علیه جبهه حق دارند کار میکنند. ما غافل هم باشیم، او غافل نمیشود. ^{۴۰}

۳۲) **راهبرد دشمن** این است که ما **به خودمان بدبین بشویم**. ^{۴۱}

۱) این را من قبول ندارم که **مشکلات داخلی**، جوان دانشجوی پُرانگیزه را **ناامید میکند**.

• جوان دانشجوی پُرانگیزه **جور دیگری ناامید میشود**: [وقتی که] استاد یا فلان آدمی که تعهدی ندارد، می‌نشیند پای دل جوان که «شما با دلار و تورم چندساله فلان مقدار، به چه امید و به چه دلخوشی‌ای اینجا درس میخوانی، کار میکنی؟»؛ این اثر میگذارد.

• البته **پاسخ جوان مؤمن و مبارز** و آگاه و هوشمند بی‌لکنت و رسا است: «بله، مشکلات در کشور وجود دارد [اما] من **درس میخوانم برای اینکه میخوام مشکلات را برطرف کنم**؛ مبارزه میکنم برای اینکه مشکل را برطرف کنم»؛ ^{۴۲} جواب جوان مسلمان این است.

۲) رسانه‌های بدخواه، اصرارشان این است که **ثابت کنند «مردم از دین روگردان شده‌اند»**، از احساسات انقلابی روگردان شده؛ یک نفری که دچار غفلت باشد و فکر نکند، قبول میکند، باور میکند. خلاف آنچه او میگوید وجود دارد، اما او وسوسه خودش را میکند. ^{۴۳}

۳) چهار نفر سرمایه‌دار یا کارآفرین کشور را ترک کردند، میگوید «آقا ببین! به چه امید شما میخواهی اینجا فعالیت اقتصادی بکنی؟ **دارند میروند!**» خب بله، چهار نفر رفته‌اند، چهل نفر مانده‌اند و دارند فعالیت میکنند. ^{۴۴} واقعیت‌های جامعه اینها است.

۳۹ البته بعضی هستند تا ما اسم دشمن را می‌آوریم عصبی میشوند که باز انداختند به گردن دشمنان خارجی! کانه ضعف خودمان و سستی‌ها و کم‌کاری‌های خودمان را می‌خواهیم انکار کنیم؛ نه، اینها هست اما آن را نباید فراموش کرد.

۴۰ امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه میگوید، مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ! این جور نیست که اگر شما در سنگر خوابت برد، در سنگر دشمن هم خواب غلبه کرده باشد و او هم خوابش برده باشد؛ نه.

۴۱ امروز طراخی دشمن، بدبین کردن ما به خودمان است. [میخواهند] به خودمان بدبینمان کنند؛ به دولتمان بدبین بشویم، به محیط دانشجویی‌مان بدبین بشویم، به مردمان بدبین بشویم؛ نه، کشور دارد حرکت میکند، حرکت خوبی هم میکند.

۴۲ بنا دارم ده‌ها سال دیگر در این کشور عمر کنم، زندگی کنم و صدها سال دیگر فرزندان من و نوه‌های من و ذریه‌ی من و هم‌میهنان من در این کشور زندگی کنند.

۴۳ اما شب قدر شما می‌بینید جلسات امسال از پارسال پرشورتر است؛ تضرع و گریه و ابتهال و حضور جوانها و اشک جوانها در این جلسات از پارسال بیشتر است؛ [راه‌پیمایی] روز قدس میشود، جمعیت از پارسال فشرده‌تر است؛ [راه‌پیمایی] بیست‌ودوم بهمن میشود، جمعیت دو برابر پارسال است. یعنی خلاف آنچه او میگوید وجود دارد، اما او وسوسه خودش را میکند. من گفتم «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» ناس همینها هستند.

۴۴ هزاران شرکت دانش‌بنیان دارد به وجود می‌آید، جوانها دارند به کار جذب میشوند؛ اما دشمن سعی خودش را میکند برای اینکه همه را ناامید بکند.

(۳۳) [البته] **نقص داریم**؛ بنده در مقام توقع شاید از بعضی از شماها بیشتر توقع داشته باشم، و بیشتر هم اعتراض میکنم.^{۴۵}

- اما می‌بینیم که **داریم پیش می‌رویم؛ کشور دارد پیش می‌رود** بحمدالله.
- ما [قبلاً] **این همه جوان مؤمن، فعال**، بانگیزه، خوش فکر، در کشور نداشتیم، [ولی] امروز داریم بحمدالله.

❖ جوان ایرانی

(۳۴) **جوان ایرانی، مورد کینه دشمنان** است. ^{۴۶} دشمن با جوانها بدترند از مسئولین جمهوری اسلامی؛ کار را در واقع جوانها دارند انجام میدهند؛ حرکت و پیشرفت به دست جوانها است، از دست مسئولین کشور کاری بر نمی‌آید. لذا اینها از جوانها کینه دارند.

(۳۵) از اول انقلاب تا امروز جوانها بودند که کارهای بزرگ را در میدانهای مختلف، به عهده گرفتند و پیش بردند. مسئولین کشور توجه کنند، **از جوانها باید بیشتر استفاده کنند.**

• **در میدان مدیریتهای دولتی** جوانهایی از قبیل شهید موسی کلانتری و شهید تندگویان یا شهید قندی، شهید عباس‌پور [را داشتیم]؛ اینها وزیر بودند، همه جوان.^{۴۸}

• **در میدان نظامی**، شهید همت، شهید خرازی، شهید بابایی، شهید حسن باقری، شهید شیروودی، شهید اردستانی، شهید صیادشیرازی - آن وقتی که می‌جنگید - اینها واقعیت جنگ را عوض کردند؛ تبدیل کردند به **دست قدرت جمهوری اسلامی** علیه همه متّحدين ارتجاع و استکبار.

• **در میدان هنر و ادبیات**، شهید آوینی، مرحوم سلحشور، مرحوم طالب‌زاده.^{۴۹}

• **در میدان علم و تحقیق**، شهید تهرانی‌مقدم، مرحوم کاظمی آشتیانی، شهید مجید شهریاری، شهید رضایی‌نژاد، شهید احمدی روشن. جوانهای ما اینها هستند دیگر.

(۳۶) این رشته تا امروز هم ادامه دارد، در همین زمان معاصر شما، صدها هزار جوان ایرانی مسئولیت‌شناس وجود دارند؛^{۵۰} اینها **موتور پیشران حرکت کشور** و حرکت نظامند، همه شما، باید این جوری باشید.

۴۵ حالا گاهی لزومی ندارد که انسان علناً حرف بزند اما خب می‌گوییم، اعتراض میکنیم.

۴۶ این را جوانهای ما بدانند. هم شماها که بیشتر از دیگران این را توجه داشته باشید، هم عموم جوانهای کشور بدانند.

۴۷ استکبار، کارتل‌های صهیونیستی که بر اروپا و آمریکا تسلط دارند.

۴۸ مرحوم موسی کلانتری گفت: در نماز جمعه یک نفر پهلوی من نشسته بود؛ شهید عباس‌پور را نشان داد و گفت که آقا، نگاه کن بین وزیر آمده نشسته در صف نماز جماعت! گفت به او گفتم: من عجیب‌ترش را به تو بگویم؛ من هم وزیرم.

۴۹ البته اینها آخر عمرشان سَنَشان بیشتر بود، اما در همین جوانی خیلی کارها کردند، و امثال اینها که کم هم نیستند.

۵۰ شهید حججی، مصطفی صدرزاده، آرمان علی‌وردی، روح‌الله عجمیان. اینها برجسته‌اند، نقطه‌های واقعاً برجسته‌اند.

۳۷) نمیگویم شهید بشوید، ^{۵۱} اما **مثل شهیدها زندگی کنید**، واقعاً مثل اینها زندگی کنید، مثل اینها حرکت بکنید. با این مجموعه، قدرتهای شیطانی خیلی مخالفند.

۳۸) جوانهای عزیز! **راه روشن را با جدیت دنبال کنید**؛ راه روشن انقلاب و اسلام و کشور و نظام و مانند اینها را با جدیت دنبال بکنید؛ کشور به شماها نیاز دارد. [در این راه،] **احتیاج دارید به:**

- **آرمان خواهی**؛ آرمان خواهی یعنی همان [نگاه به] افقهای دور که اشاره کردم؛ این اگر نباشد، [حرکت] امکان ندارد؛ «آرمان خواهی» موتور پیشران حرکت است.
- **امید**؛ سوخت این موتور است؛ اگر امید نباشد، این موتور حرکت نمیکند، آرمان خواهی در دلش میماند و غصه‌اش را میخورد اگر امید وجود نداشته باشد.
- **عقلانیت**؛ «عقلانیت» هم فرمان این موتور است؛ باید با عقلانیت فکر کنید و خردورزی کنید و پیش بروید.

۳۹) **کمبود نقشه واقعاً جامع علمی**، امروز نقیصه بزرگ دانشگاه ما است.

- ما نمیدانیم **توزیع دانشجو بر حسب رشته‌های علمی** بر چه اساسی صورت میگیرد. این رشته‌های علمی باید مورد نیاز کشور باشد، چه تعداد دانشجو در فلان رشته لازم داریم؟ اینها باید فکر بشود.
- بعضی از **رشته‌های علمی** در ایران هست که **مورد نیاز نیست**، شغلش هم وجود ندارد؛ خب چه فایده‌ای دارد؟ بعضی از رشته‌های دانشگاهی هست که اصلاً وجودش [ضرورتی ندارد].
- فکر کنیم ببینیم چه چیزی لازم داریم، بر حسب نیازمان حرکت بکنیم. اگر ما فارغ‌التحصیلی داریم که شغل ندارد، **باید بدانید نظام تعلیم و تربیت ما اشکال دارد**.^{۵۲}
- اگر **کسی برای فایده کشور تحصیل میکند، باید شغلی آماده باشد**. اگر فارغ‌التحصیل داریم اما شغل ندارد، پیدا است که این دانشجو گرفتن با نظام و با محاسبه درست انجام نگرفته.

۴۰) **شما را دوست داریم و برایتان دعا میکنیم.**

۴۱) والسّلام علیکم ورحمةالله و برکاته

۵۱ خدا کند شهید نشوید — البته در پیری اشکال ندارد آن وقت شهید بشوید، اما فعلاً تا جوانید کارتان داریم، شهید نشوید.
 ۵۲ ما الان شاید چند صد هزار دیپلم آماده به کار داریم که میتوانند در بخشهای مختلف مشغول به کار بشوند؛ اینها را می‌آوریم داخل دانشگاه، بعد از مدتی چند صد هزار کارشناس یا کارشناس ارشد بیکار متوقع عصبانی تحویل کشور میدهیم!

